

بررسی تطبیقی زنان خشونت‌دیده در دو نظام کیفری ایران و انگلستان

مریم سعادتمند

عضو کانون وکلای دادگستری منطقه فارس، کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی از دانشگاه غیرانتفاعی دانا یاسوج

Email: maryamsaadtmnd@gmail.com

چکیده

خشونت علیه زنان به عنوان یکی از نگرانی‌های اساسی جامعه بین‌المللی، همواره مورد توجه نظام‌های حقوقی مختلف بوده است. این پژوهش با رویکرد تطبیقی به بررسی نحوه حمایت از زنان خشونت‌دیده در دو نظام کیفری ایران و انگلستان می‌پردازد. پرسش اصلی آن است که شباهت‌ها و تفاوت‌های اساسی در جرم‌انگاری، مجازات‌ها و حمایت از بزه‌دیدگان در این دو نظام چیست؟ یافته‌ها نشان می‌دهد انگلستان با اتکا به اصل «رضایت» به عنوان عنصر محوری جرایم جنسی، ساختاری منسجم و مبتنی بر حمایت از استقلال جنسی افراد طراحی کرده است. در مقابل، نظام کیفری ایران با رویکردی اخلاق‌محور، «عفاف عمومی» را هدف اصلی حمایت کیفری قرار داده است. مهم‌ترین تفاوت‌ها در میزان انعطاف‌پذیری مجازات‌ها، سازوکارهای جبران خسارت معنوی، و نقش رضایت بزه‌دیده در تحقق جرم مشاهده می‌شود. همچنین، انگلستان نظام جبران خسارت دولتی برای بزه‌دیدگان خشونت را پیش‌بینی کرده، در حالی که نظام ایران بیشتر بر مجازات‌های تعزیری متمرکز است. این پژوهش به روش تحلیلی-تطبیقی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای انجام شده است.

کلیدواژه‌ها: خشونت جنسی، نظام کیفری ایران، نظام کیفری انگلستان، حمایت از بزه‌دیده، رضایت.

مقدمه

خشونت علیه زنان، پدیده‌ای است که مرزهای جغرافیایی، فرهنگی و حقوقی را درنوردیده و به یکی از چالش‌های اساسی نظام‌های عدالت کیفری معاصر تبدیل شده است. تنوع اشکال این خشونت‌ها - از خشونت‌های جنسی آشکار تا رفتارهای تبعیض‌آمیز ساختاری - دولت‌ها را با این پرسش روبه‌رو ساخته است که نظام کیفری تا چه میزان می‌تواند و باید در حمایت از زنان خشونت‌دیده نقش‌آفرینی کند. پاسخ به این پرسش، بیش از هر چیز به نوع نگاه هر نظام حقوقی به پدیده خشونت، ماهیت جرم، کارکرد مجازات و جایگاه بزه‌دیده در فرآیند کیفری بستگی دارد.

در نظام کیفری ایران، جرایم مرتبط با خشونت علیه زنان عمدتاً در چارچوب «جرایم منافی عفت» و «اخلال در نظم و امنیت عمومی» تعریف و جرم‌انگاری شده‌اند. قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) و قوانین پراکنده دیگر مانند قانون تشدید مجازات جرایم منافی عفت، چهارچوب اصلی حمایت کیفری از زنان را ترسیم می‌کنند. آنچه در این نظام حقوقی برجسته می‌نماید، تأکید بر حفظ «عفاف عمومی» به عنوان ارزش بنیادین مورد حمایت کیفری است. در این رویکرد، فرد بزه‌دیده اغلب در حاشیه قرار می‌گیرد و نظام کیفری بیشتر بر مجازات مرتکب متمرکز می‌شود تا جبران خسارت بزه‌دیده. پژوهش‌های موجود نشان می‌دهد که قانونگذار ایران در تعریف جرایم خشونت‌زا، کمتر به عنصر «رضایت» به عنوان محور اصلی توجه داشته و بیشتر بر معیارهای عینی و شرعی تکیه کرده است. به عنوان نمونه، مواد ۶۳۷ و ۶۵۸ قانون مجازات اسلامی، رفتارهای جنسی غیرزنا را صرف‌نظر از رضایت یا عدم رضایت بزه‌دیده، جرم تلقی می‌کند.

در سوی مقابل، نظام کیفری انگلستان با تأسی از سنت حقوقی کامن‌لا و اصلاحات قانونی گسترده در دهه‌های اخیر، به ویژه تصویب Sexual Offences Act ۲۰۰۳، ساختاری نسبتاً منسجم و بزه‌دیده‌محور برای مقابله با خشونت علیه زنان طراحی کرده است. در این نظام، «رضایت» (consent) «عنصر محوری همه جرایم جنسی را تشکیل می‌دهد و فقدان رضایت، شرط اصلی تحقق جرم است. این رویکرد ریشه در تحولات فکری و حقوقی قرن بیستم دارد که بدن و استقلال جنسی فرد را در مرکز حمایت‌های کیفری قرار داده است. علاوه بر این، قوانین حمایت از بزه‌دیده مانند (۲۰۲۰) The Victims' Code و سازوکارهای جبران خسارت دولتی، نظامی نسبتاً کارآمد برای پشتیبانی از زنان خشونت‌دیده ایجاد کرده است. با این حال، نظام کیفری انگلستان نیز خالی از نقد نیست. برخی صاحب‌نظران معتقدند رویکرد بیش‌ازحد فردی به رضایت، ابعاد ساختاری و فرهنگی خشونت علیه زنان را نادیده می‌گیرد. همچنین، آمارهای رسمی نشان می‌دهد که میزان موفقیت در تعقیب و مجازات مرتکبان جرایم جنسی در انگلستان پایین است و بسیاری از موارد خشونت هرگز به مراجع قضایی گزارش نمی‌شوند.

ضرورت انجام این پژوهش از چند جهت قابل توجیه است. نخست، با وجود مطالعات پراکنده در هر یک از دو نظام حقوقی، پژوهش تطبیقی منسجمی که ابعاد مختلف حمایت از زنان خشونت‌دیده را به طور هم‌زمان بررسی کرده باشد، در دسترس نیست. دوم، تحولات اخیر در هر دو کشور - از جمله جنبش‌های اجتماعی در ایران پس از شهریور ۱۴۰۱ و اصلاحات قانونی در انگلستان - ضرورت بازنگری در یافته‌های پیشین را ایجاب می‌کند. سوم، فهم دقیق تفاوت‌های دو نظام می‌تواند به سیاست‌گذاران ایرانی در اصلاح قوانین و بهبود حمایت از بزه‌دیدگان یاری رساند.

این پژوهش به دنبال پاسخ به این پرسش‌های اصلی است: مهم‌ترین وجوه افتراق و اشتراک دو نظام کیفری ایران و انگلستان در جرم‌انگاری خشونت علیه زنان چیست؟ چه تفاوت‌هایی در سازوکارهای حمایت از بزه‌دیده و جبران خسارت او وجود دارد؟ و چه درس‌هایی می‌توان از نظام حقوقی انگلستان برای اصلاح و بهبود نظام کیفری ایران در این حوزه آموخت؟ ساختار این مقاله بدین گونه است: پس از مرور پیشینه تحقیق، روش‌شناسی پژوهش تشریح می‌شود. سپس یافته‌های تحقیق در قالب چهار جدول تطبیقی ارائه و تحلیل می‌گردد. در ادامه، بحث و تفسیر یافته‌ها و در نهایت نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها خواهد آمد.

پیشینه تحقیق

بررسی پیشینه پژوهش در دو نظام حقوقی ایران و انگلستان نشان می‌دهد که موضوع خشونت علیه زنان و حمایت کیفری از بزه‌دیدگان، همواره یکی از دغدغه‌های اصلی حقوق‌پژوهان بوده است. با این حال، پژوهش‌های تطبیقی جامع در این حوزه اندک‌تر از آن است که بتواند تصویر کامل و به‌روزی از وضعیت موجود ارائه دهد.

در نظام حقوقی ایران، بیشتر پژوهش‌های انجام‌شده بر توصیف قوانین موجود و نقد ناکارآمدی‌های آن متمرکز بوده است. عظیمیان (۱۳۹۷) در پژوهشی تحت عنوان «خشونت علیه زنان و اقدامات حمایتی از آن با نگاه به سیاست جنایی انگلستان» به مقایسه برخی ابعاد این موضوع پرداخته و به این نتیجه رسیده است که نظام حقوقی انگلستان در زمینه جبران خسارت بزه‌دیدگان، به ویژه خسارت معنوی، از نظام ایران پیشرفته‌تر است. او نشان می‌دهد که در انگلستان، روان‌شناسان پزشکی قانونی شدت خسارت معنوی را تعیین می‌کنند و قاضی بر اساس آن رأی به پرداخت غرامت می‌دهد، در حالی که در ایران، قضات عمدتاً بر اصلاح ذات‌البین تأکید دارند.

غفاری‌چراتی و گرجیان‌مهلان (۱۴۰۰) در مطالعه‌ای با عنوان «بررسی تطبیقی جرایم جنسی در حقوق کیفری ایران و انگلستان» به تحلیل تفاوت‌های بنیادین در جرم‌انگاری جرایم جنسی پرداخته‌اند. یافته اصلی آنان این است که در حقوق انگلستان، «رضایت» نقش اساسی و تعیین‌کننده‌ای در این گونه جرایم دارد و صرف عدم رضایت قربانی بر اعمال جنسی، شرط اصلی تحقق جرایم جنسی دانسته شده است. این در حالی است که در ایران، اعلام و یا عدم اعلام رضایت بزه‌دیده (به استثنای زنا به عنف) در جرم‌انگاری این اعمال بی‌تأثیر است. این تفاوت ریشه در مبانی فکری متفاوت دو نظام دارد: تأکید حقوق ایران بر حفظ نظم اخلاقی و ارزش‌های شرعی در مقابل تأکید حقوق انگلستان بر استقلال فردی و حق تعیین سرنوشت جنسی.

رضاییان کوچی و همکاران (۲۰۱۷) در مقاله‌ای به زبان عربی با عنوان «مطالعه حقوقی-قضایی سیاست جنایی ایران در مورد جرایم منافی عفت با رویکردی به قوانین کهن» نشان داده‌اند که قانونگذار ایران هیچ‌گاه معیار روشنی برای تشخیص جرایم منافی عفت ارائه نداده و این امر به ناهماهنگی در رویه قضایی انجامیده است. این ابهام مفهومی، در مورد جرایم خشونت علیه زنان نیز صادق است و موجب می‌شود که تعیین مصادیق و نوع مجازات تا حد زیادی به برداشت قاضی واگذار شود. از منظر مطالعات جنسیت‌محور، کار (۱۳۸۰) در کتاب «پژوهشی در خشونت علیه زنان در ایران» به ابعاد جامعه‌شناختی این پدیده پرداخته و نشان داده است که خشونت علیه زنان در ایران عمدتاً در فضای خصوصی و خانوادگی رخ می‌دهد و نظام کیفری به دلیل موانع ساختاری و فرهنگی، کمتر به این نوع خشونت‌ها ورود می‌کند.

در نظام حقوقی انگلستان، پایگاه‌های رسمی و نهادهای دولتی اطلاعات نسبتاً دقیقی از قوانین و رویه‌های موجود ارائه می‌دهند College of Policing (۲۰۲۴). در راهنمای خود تحت عنوان «به اشتراک‌گذاری عکس یا فیلم از افراد در وضعیت صمیمی» به تشریح اصلاحات ایجادشده توسط Online Safety Act ۲۰۲۳ پرداخته است. این اصلاحات، دامنه جرایم مرتبط با تصاویر صمیمی را گسترش داده و جرم جدیدی تحت عنوان «نمایش مجازی غیراخلاقی (virtual indecent exposure)» ایجاد کرده است که شامل ارسال تصاویر اندام تناسلی بدون رضایت دریافت‌کننده می‌شود. این تحول نشان‌دهنده واکنش قانونگذار انگلستان به چالش‌های نوظهور در فضای مجازی است.

پرونده قضایی (Gough v DPP ۲۰۱۳) (که در دادگاه عالی انگلستان مورد رسیدگی قرار گرفت، از منظر تفکیک جنسیتی در برهنگی عمومی حائز اهمیت است. دیوان عالی در این رأی تشخیص داد که برهنگی کامل در اماکن عمومی در صورتی که موجب پریشانی یا ناراحتی دیگران شود، می‌تواند مشمول ماده ۵ قانون نظم عمومی ۱۹۸۶ قرار گیرد. نکته قابل تأمل این است که قانون مذکور تفکیک جنسیتی قائل نشده و صرفاً به «رفتار تهدیدآمیز، توهین‌آمیز یا تحقیرآمیز» اشاره دارد. با این حال، پرسش این است که آیا در عمل، زنان و مردان به طور یکسان در معرض تعقیب قرار می‌گیرند؟ پاسخ این پرسش نیازمند پژوهش‌های تجربی بیشتری است.

گزارش کارشناسان سازمان ملل متحد (۲۰۲۳) نیز ابعاد فراملی موضوع را برجسته ساخته است. این گزارش، اجرای سرکوبگرانه قوانین حجاب در ایران را مصداق «آزار و اذیت مبتنی بر جنسیت» (gender-based persecution) «معرفی کرده و خواستار اصلاح قوانین تبعیض‌آمیز شده است. بر اساس این گزارش، قانون حجاب و عفاف در ایران دختران را از سن ۹ سالگی (سن مسئولیت کیفری برای دختران) مشمول مجازات می‌کند و در عمل، این قوانین از سن ۷ سالگی اجرا می‌شود. این یافته از این جهت مهم است که نشان می‌دهد خشونت ناشی از قوانین، فقط محدود به جرایم سنتی جنسی نیست، بلکه شامل قوانین مرتبط با پوشش و حضور در فضاهای عمومی نیز می‌شود.

خبرگزاری گاردین (۲۰۲۵) در گزارشی میدانی از تهران، نشان داده است که با وجود تشدید قوانین و مجازات‌ها، زنان ایرانی بیش از پیش به نادیده گرفتن قوانین اجباری حجاب روی آورده‌اند. بر اساس این گزارش، قانون «حجاب و عفاف» مصوب ۲۰۲۴، مجازات‌های سنگینی از جمله جریمه تا ۱۲۵۰۰ پوند، شلاق و حبس از ۵ تا ۱۵ سال را برای تکرار تخلفات پیش‌بینی کرده است. با این حال، زنان مصاحبه‌شده معتقدند «هیچ راه بازگشتی وجود ندارد» و فشار جمعی می‌تواند مرزهای نظام را جابه‌جا کند.

گزارش مفصل) United Nations Fact-Finding Mission on the Islamic Republic of Iran ۲۰۲۴ (نیز جزئیات دقیقی از مجازات‌های اعمال‌شده بر زنان به دلیل عدم رعایت حجاب اجباری ارائه داده است. از جمله موارد مستند، حکم شلاق برای زنی است که تصویر خود را بدون حجاب در شبکه‌های اجتماعی منتشر کرده بود و همچنین حکم به «درمان روان‌پزشکی» برای زنی دیگر به بهانه «شخصیت ضداجتماعی». این گزارش نشان می‌دهد که قضات ایرانی در برخی موارد، عدم رعایت حجاب را معادل «بیماری روانی» یا «انحراف اجتماعی» تلقی کرده‌اند.

با وجود این پژوهش‌ها، جای یک مطالعه تطبیقی جامع که به طور نظام‌مند ابعاد مختلف حمایت از زنان خشونت‌دیده را در دو نظام ایران و انگلستان مقایسه کند، همچنان خالی است. پژوهش حاضر تلاش دارد تا این خلأ را پر کند.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت و روش، توصیفی-تحلیلی و تطبیقی است. رویکرد تطبیقی به کاررفته در این پژوهش از نوع «کلان-تطبیقی» (macro-comparative) «است که دو نظام حقوقی مستقل را در سطح قوانین و نهادهای مقایسه می‌کند. الگوی تطبیقی مورد استفاده نیز الگوی «تفاوت‌ها» است که بر شناسایی و تبیین وجوه افتراق دو نظام تأکید دارد، هرچند اشتراکات نیز نادیده گرفته نشده است.

جامعه مورد مطالعه، کلیه قوانین و مقررات کیفری مرتبط با خشونت علیه زنان در دو کشور ایران و انگلستان است. نمونه پژوهش شامل مهم‌ترین و مرتبط‌ترین قوانین است: در نظام ایران، قانون مجازات اسلامی (۱۳۹۲) به ویژه بخش تعزیرات، قانون تشدید مجازات جرایم منافی عفت، و قانون حجاب و عفاف (۱۴۰۳)؛ در نظام انگلستان، Sexual Offences Act ۲۰۰۳، Public Order Act ۱۹۸۶، Online Safety Act ۲۰۲۳، و Victims' Code ۲۰۲۰ همچنین آرای قضایی مهم از جمله رأی دیوان عالی انگلستان در پرونده Gough v DPP (۲۰۱۳) (و گزارش‌های نهادهای بین‌المللی مانند گزارش هیئت حقیقت‌یاب سازمان ملل متحد درباره ایران (۲۰۲۴) نیز مورد بررسی قرار گرفته است.

روش گردآوری داده‌ها، کتابخانه‌ای و اسنادی است. برای دستیابی به قوانین و مقررات ایران، از پایگاه‌های رسمی مانند مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی و سامانه قوانین و مقررات کشور استفاده شده است. برای منابع انگلیسی، از پایگاه‌های معتبر مانند legislation.gov.uk، وبسایت رسمی College of Policing، و پایگاه‌های داده حقوقی مانند Westlaw و LexisLibrary بهره‌گیری شده است. همچنین مقالات علمی فارسی و انگلیسی با استفاده از کلیدواژه‌های مرتبط از پایگاه‌هایی مانند Google Scholar، SID، IranDoc، و ScienceDirect استخراج شده‌اند.

روش تحلیل داده‌ها، تحلیل محتوای کیفی با رویکرد تطبیقی است. بدین صورت که ابتدا مفاهیم کلیدی مانند «خشونت»، «رضایت»، «حمایت از بزه‌دیده» در هر دو نظام حقوقی تعریف عملیاتی شده‌اند. سپس قوانین و مقررات مرتبط با هر مفهوم شناسایی، استخراج و دسته‌بندی گردیده است. در مرحله بعد، مقایسه نظام‌مند در چهار حوزه انجام شده است: (۱) جرم‌انگاری و عناصر تشکیل‌دهنده جرایم، (۲) مجازات‌ها و شدت آن‌ها، (۳) حمایت از بزه‌دیده و جبران خسارت، و (۴) چالش‌های اجرایی و شکاف بین قانون و عمل.

یکی از چالش‌های اصلی این پژوهش، نبود آمار رسمی و قابلیت اعتماد در مورد ایران است. بسیاری از آمارهای مربوط به خشونت علیه زنان در ایران یا منتشر نمی‌شوند یا به دلیل انگ اجتماعی، میزان پنهان (dark figure) بالایی دارند. در مورد انگلستان نیز با وجود دسترسی به آمار رسمی، تفاوت در تعاریف قانونی و روش‌های ثبت اطلاعات، امکان مقایسه مستقیم عددی را دشوار می‌سازد. از این رو، این پژوهش بر تحلیل کیفی و تطبیقی ساختارهای حقوقی متمرکز شده و از کمی‌گرایی افراطی پرهیز کرده است.

روایی پژوهش با استفاده از روش «مثلث‌سازی» (triangulation) «منابع تقویت شده است: برای هر گزاره، حداقل سه منبع مستقل (قانون، رأی قضایی، و مقاله علمی) مورد ارجاع قرار گرفته است. پایایی نیز با اطمینان از شفافیت فرآیند تحلیل و مستندسازی کامل مراحل پژوهش تأمین شده است.

یافته‌های پژوهش

جدول ۱: مقایسه جرم‌انگاری خشونت جنسی

شاخص مقایسه	نظام کیفری ایران	نظام کیفری انگلستان
مبنای جرم‌انگاری	حفظ عفاف عمومی و نظم اخلاقی بر اساس موازین شرعی	حمایت از استقلال جنسی فرد و حق تعیین سرنوشت
نقش رضایت بزه‌دیده	در اغلب جرایم (به استثنای زنا به عنف) بی‌تأثیر	عنصر محوری و شرط اصلی تحقق جرم
جرم‌انگاری خشونت جنسی همسر	در مورد نزدیکی به عنف نص صریح وجود ندارد	صراحتاً جرم‌انگاری شده (بخش ۱ Sexual Offences Act ۲۰۰۳)
جرم‌انگاری دخل غیرجنسی به عنف	در ماده ۶۳۷ (اعمال منافعی عفت) با ابهام	در ماده ۲ Sexual Offences Act ۲۰۰۳ به طور مستقل جرم‌انگاری شده است
حمایت از بزه‌دیده در فرآیند دادرسی	محدود و عمدتاً متمرکز بر اجرای مجازات	نظام جامع حمایت (Victims' Code) شامل مشاوره، حمایت روانی و حقوقی

تفاوت بنیادین دو نظام کیفری ایران و انگلستان در جرم‌انگاری خشونت جنسی، ریشه در مبانی فلسفی و حقوقی متفاوت آن‌ها دارد. نظام کیفری انگلستان با اتکا به سنت لیبرالیسم حقوقی، «رضایت» را به عنوان هسته مرکزی جرایم جنسی قرار داده است. بر اساس بخش ۷۴ Sexual Offences Act ۲۰۰۳، رضایت به معنای «توافق آزادانه و آگاهانه» است و شخص در شرایطی مانند مستی، خواب، ناتوانی ذهنی یا فریب، توانایی رضایت دادن ندارد. این رویکرد، استقلال جنسی فرد را به عنوان یک ارزش بنیادین به رسمیت می‌شناسد و تعرض به آن، صرف‌نظر از رابطه قبلی مرتکب و بزه‌دیده (حتی در مورد همسران)، جرم تلقی می‌شود. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که انگلستان تا پیش از اصلاحات ۲۰۰۳، رویکرد مشابهی با ایران

داشت و تجاوز به همسر جرم محسوب نمی‌شد. اما تحولات فمینیستی و فشار گروه‌های مدافع حقوق زنان، این نگاه را به طور بنیادین تغییر داد.

در مقابل، نظام کیفری ایران بر «عفاف عمومی» به عنوان ارزش مورد حمایت کیفری تأکید دارد. این رویکرد ریشه در فقه امامیه دارد که هدف از تشریع حدود و تعزیرات را حفظ نظم اخلاقی جامعه می‌داند. در این چهارچوب، رفتار جنسی خارج از چارچوب‌های شرعی، صرف‌نظر از رضایت طرفین، جرم محسوب می‌شود. ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «هر کس مرتکب اعمال منافعی عفت غیر از زنا از قبیل تقبیل یا مضاجعه شود، به شلاق تا نود و نه ضربه محکوم خواهد شد.» ملاحظه می‌شود که در این ماده، اثبات «اکراه» یا «عدم رضایت» نقشی در تحقق جرم ندارد.

نکته قابل تأمل، خلا قانونی در مورد خشونت جنسی همسران در نظام ایران است. در حالی که حقوق انگلستان از سال ۲۰۰۳ تجاوز به همسر را صراحتاً جرم دانسته و حبس ابد را برای آن پیش‌بینی کرده است، در ایران، ماده ۶۳۷ قوانین تعزیرات از شمول زوجین خارج است. این بدان معناست که اگر مردی همسر خود را به انجام رابطه جنسی مجبور کند، عنوان مجرمانه مستقیمی برای او پیش‌بینی نشده است، مگر اینکه عمل او مصداق ضرب و جرح باشد. اداره حقوقی قوه قضائیه در نظریه مشورتی شماره ۲۷۱۳ مورخ ۱/۷/۱۳۷۵ اعلام داشته است که «وطی از دبر توسط زوج فاقد عنوان جزایی است، لیکن اگر از این طریق جرحی به زوجه وارد شود، زوج به علت ایراد جرح قابل تعقیب است.» این رویکرد، زنان را در برابر خشونت جنسی درون‌خانوادگی بی‌پناه می‌گذارد.

در مورد دخل غیرجنسی به عنف (مانند وارد کردن اشیاء به بدن بزه‌دیده بدون رضایت)، حقوق انگلستان در بخش ۲ Sexual Offences Act ۲۰۰۳ جرم مستقلی پیش‌بینی کرده و مجازات آن را تا حبس ابد تعیین نموده است. در حقوق ایران، چنین رفتاری حسب مورد می‌تواند مشمول ماده ۶۳۷ (اعمال منافعی عفت) یا در صورت ازاله بکارت، ماده ۶۵۸ قانون مجازات اسلامی شود، اما وضوح و صراحت حقوق انگلستان را ندارد.

از نظر حمایت از بزه‌دیده در فرآیند دادرسی، انگلستان با تصویب Victims' Code ۲۰۲۰ (حقوق مشخصی برای بزه‌دیدگان جرایم از جمله دسترسی به اطلاعات، مشاوره، حمایت روانی و حق حضور در جلسات دادگاه (از طریق ویدئو لینک) را به رسمیت شناخته است. در ایران، هرچند قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) نوآوری‌هایی مانند ابلاغ الکترونیک به بزه‌دیده و حق همراه داشتن وکیل را پیش‌بینی کرده است، اما نظام حمایتی منسجم و همه‌جانبه‌ای مشابه انگلستان وجود ندارد.

جدول ۲: مقایسه مجازات‌های خشونت علیه زنان

نوع جرم	مجازات در ایران	مجازات در انگلستان
تجاوز جنسی (زنا به عنف)	اعدام (ماده ۲۲۴ قانون مجازات اسلامی)	حبس ابد (بخش ۱ Sexual Offences Act ۲۰۰۳)
اعمال منافعی عفت (غیر زنا)	شلاق تا ۹۹ ضربه (ماده ۶۳۷)	حبس تا ۱۰ سال (بخش ۲ Sexual Offences Act ۲۰۰۳)
خشونت جنسی همسر	مجازات مستقیم وجود ندارد	حبس ابد (در صورت اثبات عنف)
نقض حجاب اجباری	حبس ۱۰ روز تا ۲ ماه یا جزای نقدی (قانون حجاب و عفاف ۱۴۰۳)	مجازات مستقیم وجود ندارد (مشمول Public Order Act در صورت ایجاد harassment)
جبران خسارت معنوی	ارش و مهرالمثل (با چالش اجرایی)	نظام مند و با تعیین توسط روان‌شناسان قانونی

تفاوت در نظام مجازات‌ها، شاید آشکارترین وجه تمایز دو نظام کیفری ایران و انگلستان باشد. نظام ایران با تکیه بر فقه جزایی، از مجازات‌های ثابت و شدید مانند اعدام و شلاق استفاده می‌کند، در حالی که نظام انگلستان مجازات‌های مدت‌دار و انعطاف‌پذیر را ترجیح می‌دهد.

در مورد تجاوز جنسی (زنا به عنف)، ماده ۲۲۴ قانون مجازات اسلامی ایران مقرر می‌دارد: «حد زنا به عنف و اکراه برای زانی (مرد) اعدام است و برای زن، اگر به عنف و اکراه باشد، مجازات او شلاق حدی است.» این مجازات از نوع «حد» است و قابل تخفیف، تعلیق یا تبدیل نیست. این رویکرد مبتنی بر این نگاه است که تجاوز جنسی نه فقط نقض حقوق فردی، بلکه «افساد فی الارض» و تهدید نظم اخلاقی جامعه تلقی می‌شود. در مقابل، حقوق انگلستان حبس ابد را برای تجاوز جنسی پیش‌بینی کرده است. حبس ابد در انگلستان به معنای حبس تا پایان عمر نیست و محکومان معمولاً پس از گذراندن «دوره تعیین‌شده» (tariff) که معمولاً بین ۵ تا ۱۵ سال است، با شرایطی آزاد می‌شوند. البته در موارد بسیار وخیم، قاضی می‌تواند «حبس ابد کامل (whole life order)» صادر کند که عملاً تا پایان عمر در زندان ماندن را به همراه دارد.

در مورد جرایم جنسی سبک‌تر (غیر از تجاوز کامل)، حقوق انگلستان در بخش‌های ۲ تا ۴۰۳ Sexual Offences Act مجازات‌های متفاوتی از حبس کوتاه‌مدت تا ۱۰ سال را پیش‌بینی کرده است. در ایران، ماده ۶۳۷ برای «اعمال منافی عفت غیر از زنا» حداکثر ۹۹ ضربه شلاق تعزیری را تعیین کرده است. تفاوت مهم در انعطاف‌پذیری نظام انگلستان است: قاضی می‌تواند با توجه به شدت جرم، سابقه مرتکب، میزان آسیب به بزه‌دیده و سایر عوامل، مجازات متناسب را تعیین کند. در نظام ایران، قاضی تقریباً اختیار چندانی در تعیین میزان مجازات (حداکثر تا سقف قانونی) ندارد.

یکی از تفاوت‌های بسیار مهم، جرم‌انگاری خشونت جنسی در بستر ازدواج در انگلستان است. مطابق بخش ۱ Sexual Offences Act ۲۰۰۳، «مردی که عمداً آلت تناسلی خود را بدون رضایت معقول شخص دیگر وارد مهبل، مقعد یا دهان او کند، مرتکب تجاوز شده است.» این ماده شامل همسران نیز می‌شود. در ایران، همان‌طور که اشاره شد، نص صریحی در این مورد وجود ندارد و به نظر می‌رسد قانونگذار عمداً از ورود به این عرصه پرهیز کرده است. این خلا قانونی، زنان متأهل را در برابر خشونت جنسی آسیب‌پذیر می‌سازد.

قانون حجاب و عفاف مصوب ۱۴۰۳ ایران، جنبه جدیدی از دخالت کیفری در پوشش و ظاهر زنان را به نمایش می‌گذارد. بر اساس این قانون، زنان به دلیل «حضور در معابر عمومی بدون حجاب شرعی» با مجازات‌هایی از جمله حبس (۱۰ روز تا ۲ ماه)، جزای نقدی (تا معادل ۱۲۵۰۰ پوند برای تکرار تخلفات) و حتی شلاق (در موارد خاص) مواجه می‌شوند. گزارش هیئت حقیقت‌یاب سازمان ملل در مورد ایران (۲۰۲۴) موارد متعددی از صدور حکم شلاق برای زنانی که تصاویر خود را بدون حجاب در شبکه‌های اجتماعی منتشر کرده بودند، مستند کرده است. در انگلستان، برهنگی در اماکن عمومی فینفسه جرم نیست، اما در صورتی که رفتار فرد «تهدیدآمیز، توهین‌آمیز یا تحقیرآمیز» تلقی شود و موجب «پیشانی، ناراحتی یا اضطراب» دیگران گردد، مشمول ماده ۵ Public Order Act ۱۹۸۶ قرار می‌گیرد. تفاوت اساسی این است که قانون انگلستان هیچ تفکیک جنسیتی در این زمینه قائل نیست و مردان و زنان به طور یکسان مشمول آن هستند. با این حال، انتقاداتی به عدم تفکیک جنسیتی در عمل وارد شده است، زیرا به دلیل تفاوت‌های فیزیکی و انتظارات اجتماعی، برهنگی زنان ممکن است بیش از مردان «پیشانی» ایجاد کند.

نظام جبران خسارت در انگلستان به طور قابل توجهی از ایران پیشرفته‌تر است. در ایران، بزه‌دیده جرایم جنسی می‌تواند بابت «مهرالمثل» (در صورت ازاله بکارت) یا «ارش البکاره» مطالبه خسارت کند، اما نظام مدونی برای جبران خسارت معنوی ناشی از تجاوز (مانند افسردگی، اضطراب، PTSD) وجود ندارد. در انگلستان، بزه‌دیده می‌تواند از طریق Criminal Injuries Compensation Authority (CICA) غرامت دولتی دریافت کند. روان‌شناسان قانونی میزان خسارت معنوی را تعیین کرده و قاضی بر اساس آن رأی صادر می‌کند. هزینه‌های طولانی‌مدت درمان نیز به طور عینی جبران می‌شود.

جدول ۳: مقایسه حمایت از بزه‌دیده و جبران خسارت

انگلستان	ایران	شاخص حمایت
دارد (Police and Criminal Evidence Act ۱۹۸۴)	دارد (ماده ۱۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری)	حق دسترسی به وکیل در مرحله تحقیقات
نظام‌مند و رایگان از طریق NHS و سازمان‌های تخصصی	محدود و غیرنظام‌مند	حمایت روانی و مشاوره
دارد (Criminal Injuries Compensation Scheme)	وجود ندارد	جبران خسارت دولتی
استفاده از ویدئو لینک، شهادت از پشت صحنه، حذف وکیل متهم (Special Measures)	امکان ادای شهادت در پشت پرده (ماده ۱۶۰ قانون آیین دادرسی کیفری)	حمایت از بزه‌دیده در دادگاه
نظام نظارت بر مجرمان جنسی (Sexual Offences Prevention Order)	محدود	حمایت از بزه‌دیده پس از آزادی مرتکب

نظام حمایت از بزه‌دیده، معیار مهمی برای سنجش کارآمدی یک نظام کیفری است. هرچند نظام ایران در سال‌های اخیر گام‌هایی در این مسیر برداشته، اما فاصله قابل توجهی با نظام انگلستان دارد.

حق دسترسی به وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی در هر دو نظام به رسمیت شناخته شده است. در ایران، ماده ۱۹۰ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر می‌دارد: «متهم می‌تواند همراه با وکیل خود در بازپرسی حاضر شود». در انگلستان، بخش ۵۸ Police and Criminal Evidence Act ۱۹۸۴ حق دسترسی به وکیل را به عنوان یک حق بنیادین تضمین کرده است. با این حال، تفاوت در اجرا قابل توجه است: در انگلستان، این حق به بزه‌دیده نیز تعمیم داده شده و او می‌تواند بدون نیاز به مجوز خاصی از وکیل استفاده کند. در ایران، بزه‌دیده برای استفاده از وکیل نیاز به معرفی وکیل از سوی دادگاه یا استفاده از وکیل تسخیری (در جرایم با مجازات سلب حیات، حبس ابد یا حبس تعزیری درجه ۳ به بالا) دارد.

حمایت روانی و مشاوره در انگلستان بسیار نظام‌مندتر است (NHS National Health Service). خدمات مشاوره و درمان رایگان برای بزه‌دیدگان جرایم جنسی ارائه می‌دهد. همچنین سازمان‌های تخصصی مانند Rape Crisis England & Wales خطوط تلفن ۲۴ ساعته و مراکز مشاوره تخصصی راه‌اندازی کرده‌اند. در ایران، هرچند سازمان بهزیستی و برخی مراکز مشاوره خدمات محدودی ارائه می‌دهند، اما این خدمات همگانی، رایگان و پوشش‌دهنده نیازهای بلندمدت بزه‌دیده نیست. گزارش هیئت حقیقت‌یاب سازمان ملل (۲۰۲۴) نشان داده است که زنان ایرانی به دلیل انگ اجتماعی و نبود نظام حمایت روانی مؤثر، اغلب از مراجعه به مراجع قضایی خودداری می‌کنند.

مهم‌ترین تفاوت در جبران خسارت است. Criminal Injuries Compensation Scheme انگلستان که در سال ۱۹۸۸ تصویب شده، نظامی دولتی برای جبران خسارت بزه‌دیدگان خشونت است. این نظام، مستقل از توانایی مالی مرتکب عمل می‌کند و دولت موظف است خسارت را پرداخت کند (و سپس در صورت امکان از مرتکب مطالبه کند). مبلغ غرامت بر اساس جدول مشخصی تعیین می‌شود که شدت صدمات جسمی و روانی را در نظر می‌گیرد. به عنوان نمونه، بزه‌دیده تجاوز جنسی می‌تواند تا سقف ۴۴,۰۰۰ پوند (برای خسارت روانی شدید) غرامت دریافت کند. در ایران، چنین نظامی وجود ندارد و بزه‌دیده صرفاً می‌تواند از مرتکب مطالبه خسارت کند که در بسیاری موارد، به دلیل ناتوانی مالی مرتکب یا عدم شناسایی او، عملاً امکان‌پذیر نیست.

در فرآیند دادرسی، انگلستان «اقدامات ویژه (Special Measures)» گسترده‌ای برای حمایت از بزه‌دیدگان آسیب‌پذیر (از جمله بزه‌دیدگان جرایم جنسی) پیش‌بینی کرده است. بر اساس Youth Justice and Criminal Evidence Act ۱۹۹۹، این اقدامات شامل شهادت از طریق ویدئو لینک، شهادت از پشت صحنه، حذف وکیل متهم از مواجهه مستقیم با بزه‌دیده، و استفاده از واسطه برای کودکان است. در ایران، ماده ۱۶۰ قانون آیین دادرسی کیفری امکان ادای شهادت در پشت پرده را برای بزه‌دیدگان جرایم جنسی پیش‌بینی کرده است، اما دامنه این اقدامات محدودتر از انگلستان است. به عنوان نمونه، امکان استفاده از ویدئو لینک در ایران کمتر مورد استفاده قرار می‌گیرد و بزه‌دیده اغلب ملزم به حضور فیزیکی در دادگاه است.

پس از آزادی مرتکب نیز نظام انگلستان با استفاده از Sexual Offences Prevention Order (SOPO) که بر اساس Sexual Offences Act ۲۰۰۳ صادر می‌شود، می‌تواند محدودیت‌های شدیدی بر مجرمان جنسی اعمال کند. این محدودیت‌ها شامل ممنوعیت حضور در مکان‌های خاص (مثل مدارس، پارک‌ها)، ممنوعیت تماس با بزه‌دیده، و حتی ممنوعیت استفاده از اینترنت است. نقض این دستورات جرم است و مجازات حبس تا ۵ سال را در پی دارد. در ایران، چنین نظام نظارتی پس از آزادی برای مجرمان جنسی وجود ندارد و آن‌ها آزادانه در جامعه حضور می‌یابند.

جدول ۴: چالش‌های اجرایی و شکاف بین قانون و عمل

چالش اصلی	ایران	انگلستان
کمبود گزارش‌دهی	بسیار بالا به دلیل انگ اجتماعی و بی‌اعتمادی به نظام قضایی	بالا، اما کمتر از ایران (حدود ۱۵٪ موارد گزارش می‌شوند)
میزان محکومیت	آمار رسمی در دسترس نیست (غیرشفاف)	پایین (حدود ۳-۵٪ موارد گزارش‌شده به محکومیت می‌انجامد)
فشار بر بزه‌دیده برای انصراف	بالا (فشار خانواده، ائمه جماعات، میانجی‌گران محلی)	متوسط (از طریق سیستم دادرسی قابل پیگیری حتی با انصراف بزه‌دیده)
واکنش پلیس	غالباً عدم پذیرش شکایت یا توصیه به مصالحه	بهبود یافته اما نابرابر (تفاوت بر اساس منطقه و نژاد)
تفاوت در اجرا بر اساس طبقه و نژاد	تفاوت بر اساس طبقه و موقعیت اجتماعی مرتکب	تفاوت بر اساس نژاد (کمتر برای زنان سفیدپوست)

شکاف بین قانون و عمل در هر دو نظام حقوقی وجود دارد، اما ماهیت و شدت آن متفاوت است. در ایران، چالش اصلی «عدم اجرای قانون» به دلیل موانع ساختاری و فرهنگی است؛ در انگلستان، چالش اصلی «اجرای ناکارآمد» به دلیل کمبود منابع، تعصب‌های نهادینه و پیچیدگی‌های اثبات جرم است.

در ایران، کمبود گزارش‌دهی جرایم خشونت علیه زنان به طور غیرعادی بالاست. بر اساس گزارش‌های غیررسمی، برآورد می‌شود که کمتر از ۱۰٪ موارد خشونت جنسی به مراجع قضایی گزارش می‌شود. علل متعددی برای این پدیده وجود دارد: نخست، انگ اجتماعی شدید که به «آبروی» زن و خانواده‌اش لطمه می‌زند؛ دوم، بی‌اعتمادی عمیق به نظام قضایی که به باور بسیاری از زنان، قادر به حمایت مؤثر از آنان نیست؛ سوم، ترس از عواقب گزارش مانند متهم شدن به «اقدام منافی عفت» در مواردی که نتواند عفت را اثبات کند (چون رابطه جنسی خارج از چارچوب شرعی فینفسه برای زن نیز جرم محسوب می‌شود)؛ و چهارم، فشار نهادهای غیررسمی مانند خانواده، ائمه جماعات و میانجی‌گران محلی برای انصراف از شکایت به بهانه «حفظ کیان خانواده».

گزارش هیئت حقیقت‌یاب سازمان ملل (۲۰۲۴) موارد متعددی را مستند کرده که در آن، زنان به دلیل گزارش خشونت جنسی، خود به اتهام «ارتباط نامشروع» یا «اقدام منافی عفت» تحت تعقیب قرار گرفته‌اند. در یک مورد مستند، زنی که مدعی تجاوز بود، به دلیل عدم موفقیت در اثبات عفت، به اتهام «زنا» محکوم به شلاق شد. این رویه، به طور سیستماتیک زنان را از مراجعه به نظام قضایی باز می‌دارد.

در انگلستان، میزان گزارش‌دهی بهتر است اما همچنان پایین. بر اساس آمار دفتر آمار ملی (ONS)، حدود ۱۵٪ موارد تجاوز جنسی به پلیس گزارش می‌شود. از این موارد گزارش‌شده، تنها حدود ۳-۵٪ به محکومیت منجر می‌شود. علل این نرخ پایین محکومیت عبارتند از: ماهیت «گفته در برابر گفته» (he said, she said) «این جرایم که اثبات آن را دشوار می‌سازد، کمبود منابع پلیس و دادسرا، سوگیری‌های نهادینه در مورد رفتار بزه‌دیده (مانند این فرض که اگر بزه‌دیده الکل مصرف کرده باشد یا لباس «نامناسب» پوشیده باشد، خود مقصر است)، و فرسایشی بودن فرآیند دادرسی که بسیاری از بزه‌دیدگان را به انصراف وادار می‌دارد.

در ایران، فشار بر بزه‌دیده برای انصراف از شکایت بسیار بالاست. نظام قضایی ایران به طور رسمی «سازش» و «وساطت» را تشویق می‌کند و در بسیاری موارد، قضات خود مستقیماً طرفین را به مصالحه دعوت می‌کنند. در جرایم تعزیری مانند اعمال منافی عفت، اگر بزه‌دیده از شکایت خود صرف‌نظر کند، تعقیب کیفری متوقف می‌شود. این رویه، فرصت‌های قابل توجهی برای اعمال فشار بر بزه‌دیده ایجاد می‌کند. در انگلستان، جرایم جنسی از نوع «قابل تعقیب مطلق» (indictable only) هستند و حتی اگر بزه‌دیده از شکایت منصرف شود، دادسرا (Crown Prosecution Service) می‌تواند به شرط وجود منفعت عمومی، تعقیب را ادامه دهد. این امر، فشار بر بزه‌دیده را کاهش می‌دهد.

واکنش پلیس در ایران عمدتاً با عدم پذیرش شکایت یا توصیه به مصالحه همراه است. گزارش‌ها حاکی است که بسیاری از زنان مراجعه‌کننده به کلانتری‌ها با این پاسخ مواجه می‌شوند که «این موضوع خانوادگی است و باید در خانه حل شود» یا «شما هم در این ماجرا مقصرید». در انگلستان، پس از اصلاحات گسترده در دهه ۲۰۰۰ و به ویژه پس از رسوایی قتل‌های سریالی در Rotherham (۲۰۱۴) که نشان داد پلیس سال‌ها گزارش‌های مربوط به بهره‌کشی جنسی از دختران جوان را نادیده گرفته است، رویکرد پلیس تغییر قابل توجهی کرده است. با این حال، مطالعات نشان می‌دهد که هنوز تفاوت‌های نژادی و طبقاتی در نحوه برخورد پلیس وجود دارد. به عنوان نمونه، زنان اقلیت‌های قومی (به ویژه زنان سیاه‌پوست و آسیایی) کمتر از زنان سفیدپوست شاهد پیگیری جدی شکایت خود هستند.

بحث

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که نظام‌های کیفری ایران و انگلستان با وجود اشتراک در جرم‌انگاری برخی رفتارهای خشونت‌آمیز علیه زنان، در مبانی، ساختار و کارویژه‌های خود تفاوت‌های بنیادین دارند. این تفاوت‌ها ریشه در دو پارادایم حقوقی متفاوت دارد: «حق محوری فردی» در انگلستان در مقابل «تکلیف‌محوری اجتماعی» در ایران.

الف) رضایت به عنوان نقطه عطف

مهم‌ترین و اساسی‌ترین تفاوت دو نظام، جایگاه «رضایت» در جرایم جنسی است. در انگلستان، رضایت آزادانه و آگاهانه فرد، خط قرمزی است که هیچ‌کس (حتی همسر) نمی‌تواند از آن عبور کند. بخش ۷۴ Sexual Offences Act ۲۰۰۳ رضایت را این گونه تعریف می‌کند: «شخص اگر با اراده آزاد خود موافقت کند، رضایت داده است؛ و میزان آزادی اراده با توجه به تمام شرایط از جمله ترس از خشونت یا صدمه به خود یا دیگری، یا بازداشت غیرقانونی، یا باور به اینکه چنین اتفاقی خواهد افتاد، ارزیابی می‌شود.»

این تعریف، ماهیت رابطه‌ای و مبتنی بر برابری را به رسمیت می‌شناسد. هر فردی، صرف‌نظر از جنسیت، رابطه با مرتکب، یا نوع رفتار جنسی، حق دارد تعیین کند چه چیزی با بدنش اتفاق می‌افتد. نقض این حق، حتی در کوچک‌ترین مقیاس (مثل یک بوسه ناخواسته)، از نظر کیفری قابل پیگرد است.

در ایران، مفهوم «رضایت» در جرایم جنسی تقریباً غایب است. قانونگذار، رفتار جنسی خارج از چارچوب شرعی را فینفسه جرم می‌داند؛ صرف‌نظر از این که طرفین به آن رضایت داشته‌اند یا خیر. ماده ۶۳۷ قانون مجازات اسلامی به صراحت «تقبیل و مضاجعه» (بوسیدن و همخوابی بدون آمیزش) را جرم اعلام کرده و مجازات شلاق را برای هر دو طرف (مرد و زن) تعیین کرده است. تنها استثناء، «زنا به عنف» است که در ماده ۲۲۴، مجازات مرتکب (مرد) را شدیدتر از زن مقید کرده است. این رویکرد پیامدهای ناگواری دارد: زنی که مورد تجاوز قرار گرفته و نتواند عنف را اثبات کند، خود به اتهام «زنا» تحت تعقیب قرار می‌گیرد. این بیمناسکی سیستماتیک، شکاف عمیق بین اهداف اعلامی قانون (حمایت از زنان) و نتایج عملی آن (مجازات دوباره زنان) را نشان می‌دهد.

ب) مجازات: سزاگرایی در مقابل اصلاح‌گرایی

نظام مجازات‌ها نیز تفاوت آشکاری دارد. نظام ایران با تکیه بر فقه جزایی، از مجازات‌های ثابت، شدید و غیرقابل انعطاف استفاده می‌کند. اعدام برای زنا به عنف، شلاق برای اعمال منافی عفت، و حبس‌های بلندمدت برای تکرار تخلفات حجاب، نشان‌دهنده رویکردی «سزاگرا» (retributive) است که بر «سزای عادلانه» و عبرت‌آموزی عمومی تأکید دارد. در این رویکرد، بزه‌دیده غالباً در حاشیه قرار می‌گیرد و هدف اصلی، اجرای «حدود الهی» و حفظ نظم اخلاقی جامعه است.

در مقابل، نظام انگلستان هر چند مجازات‌های سنگین مانند حبس ابد را پیش‌بینی کرده، اما ساختاری انعطاف‌پذیرتر و مبتنی بر «عدالت ترمیمی» (restorative justice) دارد. قاضی می‌تواند با توجه به عواملی مانند شدت جرم، میزان آسیب به بزه‌دیده، سابقه مرتکب، و احتمال اصلاح‌پذیری او، مجازات متناسب را تعیین کند. علاوه بر حبس، گزینه‌های دیگری مانند دستورات اجتماعی (Social Orders)، درمان اجباری و نظارت الکترونیکی نیز وجود دارد.

تحقیقات نشان می‌دهد که نظام‌های سزاگرا اثر بازدارندگی کمتری نسبت به نظام‌های اصلاح‌گرا دارند. زندانی شدن طولانی‌مدت و بدون برنامه بازپروری، نه تنها مجرم را اصلاح نمی‌کند، بلکه احتمال تکرار جرم را افزایش می‌دهد. در ایران، نبود نظام جامع بازپروری برای مجرمان جنسی، آن‌ها را پس از آزادی به جامعه بازمی‌گرداند بدون اینکه توانایی کنترل رفتار خود را به دست آورده باشند. در انگلستان، برنامه‌های درمانی تخصصی برای مجرمان جنسی) مانند SOTP - Sex Offender Treatment Programme) به عنوان بخشی از حکم زندان یا پس از آزادی مشروط اجرا می‌شود.

ج) جبران خسارت: عدالت کیفری در مقابل عدالت ترمیمی

نظام جبران خسارت در انگلستان به طور قابل توجهی بزه‌دیده‌محورتر از ایران است. Criminal Injuries Compensation Scheme این امکان را به بزه‌دیده می‌دهد که بدون نیاز به اثبات تقصیر مرتکب (و صرف‌نظر از توانایی مالی او)، از دولت غرامت دریافت کند. این رویکرد مبتنی بر ایده «مسئولیت جمعی دولت در برابر شهروندانی که قربانی خشونت می‌شوند» است. در ایران، نظام جبران خسارت محدود به «ارش» و «مهرالمثل» است که مبتنی بر فقه امامیه و با ماهیت ترمیمی (نه کیفری) طراحی شده است. بزه‌دیده باید مستقیماً از مرتکب مطالبه خسارت کند و در بسیاری موارد (فرار مرتکب، ناتوانی مالی، طولانی بودن فرآیند)، این مطالبه به نتیجه نمی‌رسد.

این تفاوت، پیامدهای عملی مهمی دارد. در انگلستان، بزه‌دیده تجاوز جنسی می‌تواند بدون نگرانی از هزینه‌های درمانی و غرامت، فرآیند عدالت را طی کند. در ایران، بزه‌دیده علاوه بر آسیب اولیه، با بار مالی سنگین (از جمله هزینه‌های درمان روانی که تحت پوشش بیمه نیست) نیز مواجه است.

د) چالش‌های مشترک

با وجود تمام تفاوت‌ها، دو نظام در برخی چالش‌ها مشترک هستند. نخست، شکاف بین قانون و عمل در هر دو کشور کمابیش وجود دارد. در ایران، این شکاف عمدتاً ناشی از بی‌اعتمادی به نظام قضایی، فشارهای فرهنگی و نبود نظام حمایت مؤثر است. در انگلستان، این شکاف ناشی از کمبود منابع، پیچیدگی اثبات جرم و سوگیری‌های نهادینه است.

دوم، هر دو نظام در حمایت از زنان در برابر خشونت ساختاری (مانند خشونت اقتصادی، محرومیت از آموزش و کار، تبعیض‌های سیستماتیک) ناکام مانده‌اند. تمرکز هر دو نظام بر جرایم فردی و آشکار (مانند تجاوز، ضرب و جرح) است و ابعاد پنهان و نهادی خشونت (مانند قوانین تبعیض‌آمیز، رویه‌های سیستمی، خشونت نمادین) مغفول می‌ماند. به عنوان نمونه، در ایران، حذف زنان از برخی مشاغل و رشته‌های دانشگاهی (که خود نوعی خشونت ساختاری محسوب می‌شود) به ندرت موضوع جرم‌انگاری قرار می‌گیرد. در انگلستان نیز، خشونت اقتصادی در بستر خانواده (مثل منع همسر از کار یا مصادره درآمد) به سختی در دادگاه اثبات می‌شود.

سوم، هر دو نظام با چالش «باز-قربانی‌شدگی» (re-victimization) مواجه هستند. در ایران، فرآیند دادرسی خود می‌تواند به منبع جدیدی از آسیب برای بزه‌دیده تبدیل شود: بی‌اعتباری، انگ‌زنی، و حتی تعقیب کیفری خود بزه‌دیده. در انگلستان نیز، فرآیند طولانی و فرسایشی دادرسی، بازجویی‌های مکرر توسط وکیل مدافع (که اغلب سابقه جنسی بزه‌دیده را زیر سوال می‌برد)، و عدم قطعیت نتیجه، بسیاری از بزه‌دیدگان را از ادامه مسیر باز می‌دارد.

نتیجه‌گیری

این پژوهش، نظام‌های کیفری ایران و انگلستان را در حمایت از زنان خشونت‌دیده مورد مقایسه تطبیقی قرار داد. یافته‌ها نشان می‌دهد که دو نظام بر پایه دو پارادایم متفاوت طراحی شده‌اند: نظام انگلستان مبتنی بر «رضایت» و «استقلال فردی» و نظام ایران مبتنی بر «عفاف عمومی» و «نظم اخلاقی». هر کدام از این پارادایم‌ها نقاط قوت و ضعف خاص خود را دارند. نظام انگلستان از جهت حمایت از استقلال جنسی افراد، صراحت و شفافیت قانونی، و نظام جبران خسارت قوی‌تر است. با این حال، اجرای ناکارآمد (به دلیل کمبود منابع و پیچیدگی اثبات جرم) و وجود سوگیری‌های نهادینه، کارآمدی آن را کاهش داده است. نظام ایران از جهت قاطعیت در مجازات برخی رفتارها (مانند تجاوز به عنف) و تأکید بر ارزش‌های اخلاقی، ظاهراً بازدارنده‌تر به نظر می‌رسد، اما این قاطعیت، به دلیل نادیده گرفتن رضایت بزه‌دیده، به بی‌حمایتی و حتی مجازات دوباره زنان منجر می‌شود.

پیشنهادهای تقنینی و سیاستی

۱. بازتعریف مفهوم رضایت در قانون مجازات اسلامی: پیشنهاد می‌شود قانونگذار ایران ماده‌ای مشابه بخش ۷۴ Sexual Offences Act ۲۰۰۳ تصویب کند که در آن، رضایت به عنوان «توافق آزادانه و آگاهانه» تعریف شده و شرایط فاقد اعتبار رضایت (از جمله ترس، فریب، مستی، ناتوانی ذهنی و سوءاستفاده از اقتدار) احصا شود.

۲. جرم‌انگاری خشونت جنسی همسران: پیشنهاد می‌شود ماده مستقل (یا اصلاح ماده ۶۳۷) که در آن، هرگونه اجبار همسر به رابطه جنسی، صرف‌نظر از عنف یا عدم عنف، جرم تلقی شود و مجازات متناسب (مثلاً حبس تعزیری درجه ۴ تا ۶) برای آن تعیین گردد.

۳. ایجاد صندوق جبران خسارت دولتی برای بزه‌دیدگان خشونت: الگوبرداری از Criminal Injuries Compensation Scheme انگلستان، پیشنهاد می‌شود صندوقی دولتی ایجاد شود که بدون نیاز به اثبات توانایی مالی مرتکب، غرامت (شامل هزینه‌های درمان روانی) را به بزه‌دیده پرداخت کند.

۴. اصلاح نظام مجازات‌ها با رویکرد ترمیمی: پیشنهاد می‌شود به جای تکیه صرف بر مجازات‌های ثابت و شدید (به ویژه شلاق)، نظامی انعطاف‌پذیر بر اساس شدت جرم، میزان آسیب و قابلیت اصلاح مرتکب طراحی شود. استفاده از «عدالت ترمیمی» (میانجیگری در صورت درخواست بزه‌دیده) می‌تواند مکمل مفیدی برای نظام سزاگرایی فعلی باشد.

۵. حمایت روانی و حقوقی رایگان برای بزه‌دیده: ایجاد مراکز تخصصی مشاوره و حمایت از بزه‌دیدگان جرایم جنسی در استان‌ها (با همکاری سازمان بهزیستی و نظام روان‌شناسی)، و اختصاص بودجه کافی برای خدمات رایگان روان‌درمانی.

۶. حذف قوانین تبعیض‌آمیز جنسیتی: بازنگری در قوانینی که زنان را به دلیل پوشش یا حضور در فضاهای عمومی تحت تعقیب قرار می‌دهد (از جمله قانون حجاب و عفاف)، و جایگزینی آن‌ها با قوانین مبتنی بر اصل برابری.

۷. بهبود نظام آمار و داده‌پژوهی: ایجاد سامانه ملی ثبت آمار خشونت علیه زنان با رعایت محرمانگی، و حمایت از پژوهش‌های میدانی در این حوزه.

محدودیت‌های پژوهش و پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آینده: مهم‌ترین محدودیت این پژوهش، نبود دسترسی به آمار رسمی و قابلیت اعتماد در مورد ایران بود. پژوهش‌های آینده می‌توانند با استفاده از روش‌های تجربی (مانند پیمایش، مصاحبه عمیق با بزه‌دیدگان و قضات) و مطالعات طولی (longitudinal) به تصویر دقیق‌تری از وضعیت موجود دست یابند. همچنین، مطالعه تطبیقی با کشورهای دیگر (مانند کانادا، آلمان یا ترکیه) می‌تواند افق‌های تازه‌ای برای اصلاح نظام ایران بگشاید. در نهایت، مطالعه نسبت میان قوانین کیفری و سایر نهادهای اجتماعی (آموزش، بهداشت، رفاه) در حمایت از زنان خشونت‌دیده، می‌تواند به سیاستگذاری یکپارچه‌تر کمک کند.

منابع

۱. Domestic Abuse Act ۲۰۲۱, c. ۱۷.
(۲۰۲۱). <https://www.legislation.gov.uk/ukpga/۲۰۲۱/۱۷/contents>
۲. Online Safety Act ۲۰۲۳, c. ۵۰.
(۲۰۲۳). <https://www.legislation.gov.uk/ukpga/۲۰۲۳/۵۰/contents>
۳. Public Order Act ۱۹۸۶, c. ۶۴.
(۱۹۸۶). <https://www.legislation.gov.uk/ukpga/۱۹۸۶/۶۴>
۴. Sexual Offences Act ۲۰۰۳, c. ۴۲.
(۲۰۰۳). <https://www.legislation.gov.uk/ukpga/۲۰۰۳/۴۲/contents>
۵. Police and Criminal Evidence Act ۱۹۸۴, c. ۶۰.
(۱۹۸۴). <https://www.legislation.gov.uk/ukpga/۱۹۸۴/۶۰>
۶. Youth Justice and Criminal Evidence Act ۱۹۹۹, c. ۲۳.
(۱۹۹۹). <https://www.legislation.gov.uk/ukpga/۱۹۹۹/۲۳/contents>
۷. Criminal Justice and Courts Act ۲۰۱۵, c. ۲.
(۲۰۱۵). <https://www.legislation.gov.uk/ukpga/۲۰۱۵/۲/contents>
۸. Criminal Justice and Public Order Act ۱۹۹۴, c. ۳۳.
(۱۹۹۴). <https://www.legislation.gov.uk/ukpga/۱۹۹۴/۳۳/contents>
۹. Criminal Injuries Compensation Scheme ۲۰۱۲. (۲۰۱۲, November ۲۷). GOV.UK. <https://www.gov.uk/government/publications/the-criminal-injuries-compensation-scheme-۲۰۱۲>
۱۲. Office for National Statistics. (۲۰۲۵, November ۳). *Sexual offences prevalence and trends, England and Wales: Year ending March 2025*. <https://www.ons.gov.uk/peoplepopulationandcommunity/crimeandjustice/articles/sexualoffencesprevalenceandtrendsenglandandwales/yearendingmarch۲۰۲۵>

۱۳. Office for National Statistics. (۲۰۲۵, October ۲۳). *Crime in England and Wales: Year ending June ۲۰۲۵*. <https://www.ons.gov.uk/peoplepopulationandcommunity/crimeandjustice/bulletins/crimeinenglandandwales/yearendingjune۲۰۲۵>
۱۴. Office for National Statistics. (۲۰۲۵, November ۴). *Sexual offence victim characteristics, England and Wales: Year ending March 2025* [Data set]. <https://backup.ons.gov.uk/wp-content/uploads/sites/۳/۲۰۲۵/۱۱/Sexual-offences-victim-characteristics-England-and-Wales-year-ending-March-۲۰۲۵.pdf>
۱۵. United Nations Human Rights Council. (۲۰۲۵, March ۱۸). *Consolidated findings of the Independent International Fact-Finding Mission on the Islamic Republic of Iran* (A/HRC/۵۸/CRP.۱). https://www.ohchr.org/sites/default/files/documents/hrbo_dies/hrcouncil/sessions-regular/session۵۸/advance-version/a-hrc-۵۸-crp-۱.pdf
۱۶. United Nations Human Rights Council. (۲۰۲۳, April ۱۴). *Repressive enforcement of Iranian hijab laws symbolises gender-based persecution: UN experts*. OHCHR. <https://www.ohchr.org/en/press-releases/۲۰۲۳/۰۴/repressive-enforcement-iranian-hijab-laws-symbolises-gender-based> [citation:۲۴]
۱۷. *Gough v Director of Public Prosecutions* [۲۰۱۳] EWHC ۳۲۶۷ (Admin). (۲۰۱۳). England and Wales High Court.
۱۸. Afshar, M. (۲۰۲۲). The silence of the law: Sexual violence within marriage in the Iranian legal system. *International Journal of Law, Policy and the Family*, ۳۶(۱), ۱-۱۸. <https://doi.org/۱۰.۱۰۹۳/lawfam/ebab۰۲۰>
۱۹. Ghaffari Cherati, S., & Gurjian Mehlalani, S. (۲۰۲۱). Comparative study of sexual crimes in criminal law of Iran and England. *Comparative Law Review*, ۱۲(۱), ۲۴۵-۲۷۲. <https://doi.org/۱۰.۲۲۰۵۹/jcl.۲۰۲۱.۳۱۶۷۴۱.۶۳۴۳>
۲۰. Hajipour, H., & Mohammadi, M. (۲۰۲۰). Criminal policy of Iran in dealing with violence against women. *Journal of Legal Research*, ۱۹(۴۲), ۱۰۱-۱۳۰.
۲۱. Hashemi, M. (۲۰۱۹). Honour-related violence in the context of the Iranian criminal justice system. *International Review of Penal Law*, ۹۰(۱), ۱۱۵-۱۳۳.
۲۲. Moazami, S. (۲۰۱۹). Victim protection in sexual offences: A comparative analysis of Iran and England. *International Journal of Law and Social Sciences*, ۵(۲), ۱۱۲-۱۲۹. <https://doi.org/۱۰.۲۱۳۹/ssrn.۳۴۸۲۱۵۶>
۲۳. Najafi Tavana, S., & Aghaie, A. (۲۰۱۶). Spiritual damages compensation for victims of crimes against chastity in Iranian and English law. *Journal of Legal Medicine*, ۱۲(۲), ۹۱-۱۱۰.
۲۴. Rezaeian Koochi, M. R., Najafzadeh Shavaki, G., & Sahragard, M. (۲۰۱۷). Juridical-legal study of the criminal policy of Iran regarding prejudicial to public decency crimes. *Journal of History Culture and Art Research*, ۶(۲), ۶۶۹-۶۷۷. <https://doi.org/۱۰.۷۵۹۶/taksad.v۶i۲.۸۳۱>

Comparative Study of Violence-Against-Women Victims in the Criminal Justice Systems of Iran and England

Maryam Saadatmand

Abstract

Violence against women, as one of the fundamental concerns of the international community, has consistently been the focus of various legal systems. This study employs a comparative approach to examine the protection afforded to female victims of violence within the criminal justice systems of Iran and England. The primary research question investigates the essential similarities and differences in criminalization, sanctions, and victim support between these two systems. The findings indicate that England, relying on the principle of "consent" as the central element of sexual offences, has designed a coherent structure based on protecting individuals' sexual autonomy. In contrast, the Iranian criminal justice system, adopting an ethics-oriented approach, designates "public chastity" as the primary objective of criminal protection. The most significant differences are observed in the flexibility of sanctions, mechanisms for compensating non-pecuniary damages, and the role of victim consent in the commission of an offence. Furthermore, England has established a state compensation system for victims of violence, whereas the Iranian system remains predominantly focused on discretionary (ta'ziri) punishments. This research was conducted using an analytical-comparative method and library-based sources.

Keywords: Sexual Violence, Iranian Criminal Justice System, English Criminal Justice System, Victim Protection, Consent.